

A study of the indicators of national authority of the Islamic Republic of Iran in the thoughts of the Supreme Leader

Abstract

National authority for a country preserves its identity, its dignity and the means to achieve its ideals. Power is the most important goal of the countries that seek to achieve it, and this is subject to the realization of certain characteristics and components. The national authority of the Islamic Republic of Iran is based on soft authority rather than hard authority; however, the Supreme Leader of the Revolution's emphasis on strengthening and increasing military strength is only for the purpose of defending and deterring the threats that the Islamic Republic is facing. In this research, the concept and indicators of national authority in the thoughts of the Supreme Leader have been studied. His Highness addressed to the officials to strengthen the indicators of national authority. According to him, the authority of Islamic Iran requires that the country be able to appear at its highest level in all areas and affairs. Expressing characteristics such as political authority, preserving the principles of the revolution, and honorable treatment based on the principle of dignity, wisdom and expediency with the leaders of other countries, cultural authority by reproducing indigenous humanities, scientific authority, military authority and most importantly, strengthening the country economically and The severance of dependence on other countries can be formed by emphasizing a resilient economy and supporting domestic production.

Keywords: leadership, authority, characteristics, dignity

بررسی شاخص‌های اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های مقام معظم رهبری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۷

خسرو نیکنام^۱

مسعود جعفری نژاد^۲

سید حسن ملانکه^۳

چکیده

اقتدار ملی برای یک کشور، حفظ‌کننده هویت او، مایه عزت او و وسیله رسیدن او به آرمان‌هاست. اقتدار مهم‌ترین هدف کشورهاست که در پی کسب آن اند و این مشروط به تحقق برخی شاخص‌ها و مؤلفه‌هاست. اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر اقتدار نرم است تا اقتدار سخت؛ اما تأکید رهبر انقلاب مبنی بر تقویت و پیشرفت روزافزون بنیه و توان نظامی، صرفاً به منظور دفاع و بازدارندگی از تهدیداتی است که جمهوری اسلامی با آن مواجه می‌باشد. در این تحقیق به بررسی مفهوم و شاخص‌های اقتدار ملی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری پرداخته شده است. معظّم‌له خطاب به مسئولان برای تقویت روزافزون شاخص‌های اقتدار ملی تأکید داشته‌اند. از نظر ایشان، اقتدار ایران اسلامی نیازمند این است که کشور در همه‌ی عرصه‌ها و امور بتواند در حدّ اعلای خود نمود پیدا کند. بیان شاخص‌هایی همچون اقتدار سیاسی، حفظ اصول انقلاب، و برخورد عزتمندانه براساس اصل عزّت، حکمت و مصلحت با سران سایر کشورها، اقتدار فرهنگی با بازتولید علوم انسانی بومی، اقتدار علمی، اقتدار نظامی و از همه مهم‌تر، قدرتمند ساختن کشور در عرصه‌ی اقتصادی و قطع وابستگی از سایر کشورها با تأکید بر اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولیدات داخلی، می‌تواند شکل بگیرد. کلیدواژگان: رهبری، اقتدار، شاخص‌ها، عزّت

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. نویسنده مسئول

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

مفهوم «اقتدار ملی» در اندیشه امام خامنه‌ای (حفظه...) از اهمیت زیادی برخوردار است؛ اما مسئله این است که مقام معظم رهبری اقتدار ملی را در چه عواملی می‌داند و شاخص‌های اقتدار ملی از دیدگاه ایشان چیست؟ از منظر معظم له، «اقتدار این است که یک ملتی از درون بجوشد، هم علم را، هم نظام‌گیری را، هم سا زندگی را، هم پیشرفت را، هم عزت بین‌المللی را برای خود کسب کند. اینها شاخص‌ها و مولفه‌های اقتدار ملت ایران است» اقتدار ملی از جمله ارزش‌های مطلوب جوامع کنونی است. هر کشور و ملتی به دنبال اقتدار ملی است و برای نیل به آن تلاش می‌کنند تا بسترهای لازم را فراهم کند. ناگفته نماند که شاخص‌های اقتدار ملی تابع و متأثر از جهان بینی افراد است. به همین دلیل، با وجود اشتراک در برخی از شاخص‌ها، تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود. نکته مهم‌تر در میزان ارزش‌دهی به اقتدار ملی است. این مسئله هم بشدت متأثر از مبانی ارزشی حاکم بر یک جامعه یا نظام سیاسی است. برخی اقتدار و قدرت ملی را یک مطلوب نهایی و آرمانی می‌دانند که برای نیل به آن، سایر اهداف و ارزش‌ها را باید به خدمت گرفت و حتی برخی امثال نیچه، ارزش‌های انسانی والهی را نیز در این مسیر می‌توان قربانی کرد اما امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری که پرورش یافته مکتب اسلام هستند، ارزش اقتدار ملی را در چارچوب یک جهان بینی جامع‌تر و برتر مدنظر دارند و جایگاه و اولویت آن را بر سایر ارزش‌های مادی مقدم می‌دانند. مقام معظم رهبری به عنوان زعیمی با اقتدار و سیاستمداری زبده، با استناد به آیه شریفه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» همواره در خصوص تقویت و پیشرفت روزافزون اقتدار ملی در حوزه‌های مختلف تأکید می‌فرمایند. از منظر معظم له، ایمان و اعتقاد اسلامی، وحدت و انسجام ملی، حضور مردم در صحنه، تامین و ارتقای امنیت ملی، داشتن نیروهای مسلح مقتدر و توانمند، قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضاییه کارآمد، پیشرفت کشور در حوزه‌های فرهنگی، علمی، اجتماعی، فناوری، اقتصادی، دفاعی و...، از جمله شاخص‌های اقتدار ملی به حساب می‌آیند. بدون تردید، دست یافتن به اقتدار ملی، بدون توجه به شاخص‌های فوق و تلاش در جهت تقویت و پیشرفت روز افزون آنها، امکان‌پذیر نیست. مقام معظم رهبری به طور پیوسته و به مناسبت‌های گوناگون (در سخنرانیها و پیام‌های خویش)، راه‌های وصول به اقتدار ملی و عوامل تأثیرگذار بر آن را تبیین فرمودند که همانا دست‌مایه پژوهش حاضر شده است.

۲. مفهوم اقتدار و عزت ملی از منظر امام خامنه‌ای

اقتدار ملی برای یک کشور، حفظ‌کننده هویت او، مایه عزت او و وسیله رسیدن او به آرمان‌هاست. تلاشی که برای نابودی ملتها و به زنجیر کشیدن آنها از دوران‌های گذشته تا امروز می‌شود، همیشه در جهت نابود کردن و یا تضعیف کردن اقتدار ملی آنها بوده است. و بعکس، ملت‌هایی که در راه تعالی و کمال قدم بر می‌دارند باید در اقتدار ملی خود شان بکوشند. اقتدار ملی، فقط به معنی توانائی‌های نظامی نیست؛ اقتدار ملی یک مسئله همه‌جانبه و بر دوش همه دستگاه‌هاست و به عنوان یک وظیفه اصلی، بر دوش هر سه قوه اساسی کشور نهاده شده است. اقتدار ملی به معنای این است که یک ملت، در مسئولان کشور جلوه‌های قدرت و توانایی و عزت خود را مشاهده کنند و کارها با سیاست‌های درست، با برنامه‌ریزی صحیح، با جدیت و پشتکار، و با هماهنگی و انسجام کامل پیش برود. هر سه قوه باید تلاش کنند تا با جدیت و پشتکار و توکل بر خدا و اعتماد به مردم و همکاری با یکدیگر، اقتدار ملی را تجلی بخشند و مظهر اقتدار بشوند (رضایی، ۱۳۸۹: ۴۵).

یک ملتی، مثل ملت ایران با همه وجودش با سابقه تاریخی اش، باریشه‌های فرهنگی اش، با امکانات جغرافیایی و اقلیمی اش و با تواناییهای فراوان بشری، اقتدار، عزت و توانایی، آبروی خود را در چهره مسولان کشور مشاهده می‌کند و قوای سه‌گانه می‌توانند مظهر اقتدار ملی باشند را با شجاعت و اقتدار و امید و بدون رودربایستی و با همکاری کامل انجام بدهند. یک ملت اگر اقتدار ملی داشته باشد - اقتدار در زمینه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و سازماندهی دولتی - مشکلات مادی و معنوی اش حل خواهد شد. اگر فرضاً مسئولی در بخش امنیت کار خود را خوب انجام بدهد، در جامعه رونق اقتصادی به وجود بیاید و طبقات محروم را از حقوقی که متعلق به آنهاست برخوردار نماید. مردم احساس اقتدار و توانایی می‌کنند، خودشان را در آن مسئولان مشاهده و ملاحظه می‌کنند و او را مظهر خودشان به حساب می‌آورند. وقتی در عرصه بین‌المللی مسئولی با سربلندی و استغناء در مجامع جهانی شرکت می‌کند و حرف حق خودشان را با شجاعت به زبان می‌آورند و در معامله و مبادله با دولت‌ها، منافع ملی را مدنظر می‌گیرند و مصالح را ملاحظه و به نفع کشور کار می‌کنند، ملت که در جریان این کارها قرار می‌گیرد، احساس اقتدار می‌کند. اقتدار ملی به دو عنصر اصلی نیاز دارد: یکی اینکه همه افراد وظایف خودشان را با قاطعیت انجام دهند، دوم اینکه قوای سه‌گانه با هم همکاری کنند. وظایفی بر دوش قوه مجریه است: وظایفی هم بر دوش قوه قضاییه است؛ قوه مقننه هم باید به عنوان پشتیبان و حامی این دو قوه، قوانین لازم‌الاجرا برای اجرای خوب و مشکل‌پیدا نکردن در راه عمل و اجرا - در اختیار این‌ها قرار دهد تا دچار کمبود قانون نشوند. در مجلس شورای اسلامی، قانون باید طبق مصالح کشور، مصالح ملت و مطابق با اسلام باشد تا قوه مجریه و قوه قضاییه بتوانند با استفاده از قانون و مجرای صحیح قانونی وظایف خودشان را انجام بدهند؛ این می‌شود اقتدار ملی (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۲۳). عملکرد مسئولان در گذراندن و اجرای قوانین، در صداقت و پاکدامنی، در تلاش و خستگی‌ناپذیری، در به میان آوردن ابتکارهای خلاق و کارساز، در الگو قرار دادن انسان‌های برجسته و نمونه، در طرد کردن انسان‌های فاسد که این زمینه‌ها هم جز با ایمان خالصانه به خدا به طور کامل میسر نیست؛ ملت احساس اقتدار می‌کند. آن وقتی که دشمن به مرز حمله می‌کند، اگر مسئولان دفاع از مرزها و وظیفه خودشان را خوب به انجام برسانند، ملت احساس اقتدار می‌کند. در یک مجموعه نظامی، اقتدار ملی با کارایی نظامی و رشد خلیقیات جوان مردانه در آن‌ها، خود را نشان می‌دهد. سازمان ارتش، سپاه و نیروی انتظامی، هرکدام در وظایف مقرر و تعریف شده خودشان، هم خوب کار بکنند و خود را از لحاظ کیفیت بالا ببرند، هم دیگران را به رسمیت بشناسند و احترام و ارزش قائل شوند و با آنها همدل باشند، این می‌شود مظهر اقتدار ملی (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با فرماندهان و گروهی از پرسنل ارتش به مناسبت روز ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰). به زعم نگارنده، اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، بیشتر مبتنی بر اقتدار نرم است تا اقتدار سخت؛ اما تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر تقویت و پیشرفت روزافزون بنیه و توان نظامی، صرفاً به منظور دفاع و بازدارندگی از تهدیداتی است که، جمهوری اسلامی با آن مواجه می‌باشد. معظم له، بارها به دشمنان جمهوری اسلامی ایران هشدار دادند، دوران «بزن در رو» گذشته و آن‌ها ممکن است شروع‌کننده هر تحرکی باشند اما پایان کار دست دشمنان نخواهد بود.

از منظر مقام معظم رهبری، برخی از حکومت‌های مستبد خلیج فارس اقتدار ملی را در خرید و ذخیره سلاح فراوان از دولت‌های غربی و درخواست حمایت از خودشان و در مقابل، سرکوب ملت‌هایشان می‌دانند. ایشان، بهترین گواه اقتدار جمهوری اسلامی و مردم ایران را ایستادگی چهل ساله در برابر دشمن قدرتمند و سلطه‌طلبی چون آمریکا با همه شرارت‌ها و توطئه‌هایش می‌دانند که نه تنها کاری از پیش نبرده، بلکه ملت

ایران قوی تر نیز شده است. سازش با چنین دشمنی پر هزینه و مایه ذلت و بی هویتی است. این قانون لایتخلف پروردگار است که فرمود: «فلا تهنوا و تدعو الی السلم و انتم الاعلون و الله معکم ولن یترکم اعمالکم» سست نشوید، دعوت به سازش با دشمن نکنید، شما برتر هستید... خدای متعال برای شما کم نمی گذارد در مقابل مجاهدتی که انجام داده اید، پاداش این مجاهدت را به طور کامل به شما خواهد داد.

۳. جایگاه رهبری و ولایت امام خمینی (ره) در اقتدار ملی، از دیدگاه مقام معظم رهبری

این اقتدار و عزت میراث امام (ره) است. سنگین ترین تحقیرها را نسبت به همان قدرت های گردن کلفت و قلدر دنیا روا داشت و تاکنون هیچ ملتی مثل ملت ما، رژیم مستکبر و زورگوی آمریکا را اینگونه تحقیر نکرده است همه دنیا هم به این موضوع اعتراف کرده اند. این جا همان کشور و سرزمین است؛ اما نسبت به گذشته، صد و هشتاد درجه تفاوت کرده است. باید این اقتدار و عزت را که میراث امام (ره) است، حفظ کرد. اگر امام را دوست داریم و اگر جای خالی او برای ما تلخ است، باید راه او را ادامه دهیم (بیانات رهبر انقلاب در مراسم بیعت فرماندهان، نمایندگان ولی فقیه و مسئولان عقیدتی - سیاسی ژاندار مری و شهربانی و پرسنل سازمان پلیس قضایی کشور، ۱۳۶۸). ملت ایران باتکیه به رهبری امام، تمدن نوین را بر اساس اسلام بنا خواهد نهاد. امام بزرگوار به ملت ایران آموختند بدون تکیه بر بیگانگان باید کشور را بسازند و با صبر و مقاومت خود، مشکلات را یکی پس از دیگری مرتفع کنند؛ و در جهت تبدیل ایران اسلامی به الگوی پرجاذبه برای جهان به ویژه کشورهای اسلامی، گام های بلند بردارند.

۴. منطق اسلام در مسئله قدرت

در اسلام بدون شک دعوت به قدرت و توانایی شده است و نص قرآن و احادیث ما ست. دیگران هم که در موضوع اسلام مطالعه کرده اند، اسلام را در میان ادیان به این مشخصه شناخته اند که هیچ دینی به اندازه دین اسلام پیروان خود را به قوت و قدرت دعوت نکرده است. ویل دورانت در جلد یازدهم کتاب تاریخ تمدن که اختصاص به تاریخ تمدن اسلام دارد، این جمله را می گوید: «هیچ دینی به اندازه اسلام، مردم را به قدرت و قوت دعوت نکرده است.» مصادیق دعوت به قدرت و قوت در قرآن کریم، خیلی زیاد است. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بَنِيَانٍ مَرُوصُونَ» (همانا خدا دوست دارد کسانی را که در راه او در صفی واحد می‌جنگند که گویا بنیانی درهم فشرده و پولادین اند، صف: ۴). «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (محمد (ص) فرستاده خداست، و کسانی که با اویند بر کافران سرسخت اند و در میان خود مهربان، فتح: ۲۹). «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (و در برابر آنان تا می توانید از هرگونه نیرو و اسبان زین کرده آماده کنید که به این وسیله دشمن خدا و دشمن خودتان و کسان دیگری غیر از آنان را که نمی شناسید و خدا آنان را می شناسد، خواهید ترساند، انفال: ۶۰).

۴-۱ عوامل اقتدار ملی جمهوری اسلامی

از منظر مقام معظم رهبری، یکی از عوامل بسیار مهم اقتدار ملی نظام جمهوری اسلامی ایران، در مردمی بودن آن است. بنابراین دشمنی با ملت ایران، به معنای دشمنی با عزت، اقتدار، پیشرفت و اعتلا این ملت است. دلیل دیگری که معظم له برای افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران برشمردند، ائتلاف های آمریکا علیه نظام

اسلامی است. از دیدگاه ایشان، امنیت پایدار مرهون قدرت نظامی، نیروهای مسلح کارآمد از جمله: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، علم و پیشرفت علمی، اقتصاد قوی و مستقل، نیروهای نظامی وفادار، «دولت مقاومت» و مشارکت سیاسی است. مجموعه پویای این عوامل اقتدار، قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد، که دشمنان را از هر گونه تعرض به ایران بر حذر می‌دارد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی «دولت مقاومت»، نه اهل سلطه طلبی و دست اندازی به کشور هاست و نه در موضع انفعالی قرار دارد. بر اساس اندیشه ایشان، «دولت مقاومت» دارای شاخص های به هم تنیده و تکمیل کننده سیاست، اقتصاد، نیروهای مسلح، تحرک بین المللی و منطقه نفوذ وسیع است. این شاخص های به هم پیوسته، تقویت کننده مؤلفه «بازدارندگی» است و جمهوری اسلامی را به کشوری توانمند، مستقل و دارای سبک و نفوذ سیاسی در تحولات منطقه ی و بین المللی مبدل ساخته است. رهبر انقلاب با استناد به این آیه شریفه «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَأَيُّضْرِكُمْ كَيْدَهُمْ شَيْئًا»، (و اگر صبر و پروا پیشه کنید ترفند آنان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند، آل عمران: ۱۲۰)، شرط تداوم و افزایش اقتدار ملی و شکست دسیسه های دشمنان را ایستادگی، صبر و تقوا، همراه با هوشیاری، تدبیر و انسجام ملی می‌دانند.

۴-۲ شاخص های اقتدار ملی

۴-۲-۱ اقتدار معنوی

علمای محترم و روحانیون و وعاظ و گویندگان و نویسندگان دینی که معلمان و مبشران بشارتهای الهی برای مردم هستند، بایستی در عمق بخشیدن به ایمان مردم تلاش کنند. و همانطور که خدای متعال در قرآن وعده فرموده، تا وقتی ایمان عمیق اسلام با مردم همراه باشد، هیچ خطری ملت و انقلاب را تهدید نمی‌کند و هیچ قدرتی نمی‌تواند کمترین آسیبی به جمهوری اسلامی و انقلاب شکوهمند ایران وارد آورد (مقام معظم رهبری، جلد اول، ۱۳۸۸: ص ۲۲۳). از منظر معظم له، اعتماد به نفس ملی با نیرو و ایمان همراه بود، ما مثل بعضی از کشورهای دیگری که انقلاب کردند، بی‌خدا، بی‌توکل، بی‌معنویت، نبودیم که وسط راه بمانیم؛ ایمان، ما را نگه داشت، ما را حفظ کرد، ما را هدایت کرد، ما را پیش برد؛ این ایمان گوهر ذی‌قیمتی بود، روحی بود در کالبد این حرکت عمومی، روح امید را ایمان در ما زنده کرد؛ روح ایثار و فداکاری را ایمان در ما زنده کرد.

۴-۲-۲ اقتدار معنوی اسلام، قدرت جدید و عظیم امروز دنیا

اگر اقتدار سلطه‌ظاهری در یک جا متمرکز می‌شود، یا به یک جانب و یک صف بر می‌گردد، اقتدار معنوی اسلام قدرت جدید و عظیم امروزی دنیا هم خودش را نشان می‌دهد و آشکار می‌کند. این بیان واقعیتی است که برای ما حتمی و محسوس است. آنچه که ما باید به آن توجه کنیم، این است که: قطعاً اگر آن رهبر و این ملت و آن حرکت و آن اخلاص نمی‌بودند این وضعیت در عالم پیش نمی‌آمد علی‌الظاهر هیچ عامل دیگری وجود ندارد که در دنیایی که همه دستگاه‌ها و قدرت‌های استکباری روی معنویت و اسلام فشار وارد می‌آورند، ناگهان در همه جای عالم، اینطور اسلام سربلند کند و قدرت و اقتدار اسلامی خودش را نشان بدهد. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

۴-۲-۳ صلابت به برکت ایمان به خدا

آن کس که با اسلام آشنا شد، عزت متعلق به اوست. آن کسانی هم که ذلیل شدند، به خاطر این بود که از اسلام گسستند. خودتان اسلام را حفظ کنید، ایمانتان را تقویت نمایید، ارزش های اسلامی را پاس بدارید و ملت های

دیگر را هم وادار کنید که با اسلام آشتی کنند و به سمت اسلام برگردند. در این صورت، دست همه قدرت‌های شیطان صفت، از سر آنها کوتاه خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ج ۶، ص. ۲۸۰-۲۷۹). اگر با این روحیه، با این ایمان؛ با این قدم صادق حرکت کنید، جمهوری اسلامی ایران به اوج قله حیات طیبه که خدا وعده داده است، خواهد رسید (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ج ۶، ص ۶۹).

۴-۲-۴ دین و ایمان، سرچشمه اقتدار

دین و ایمان در مسئولان اثرش این است که اگر مشکل پیش بیاید، آن مسئول می‌تواند در سایه آن آرامش، تصمیم در ست را اتخاذ کند؛ دستپاچه و مضطرب و دلباخته در حوادث نشود. مردم ایمان خوب و روشن و شفافی دارند و عموم مردم نشان دادند که در مشکلات دارای یک اقتدار حقیقی اند؛ اقتداری که از دین و ایمان سرچشمه گرفته است؛ لیکن وقتی گروهی مسئولیت اداره امور کشور و ملت را بر دوش می‌گیرند، نمی‌توانند نسبت به این قضیه خود را بر کنار بدانند حالا اگر بنا شد کسی مسئول باشد، مسئول کیست؟ یقیناً مسئولان کشور نمی‌توانند خودشان را بر کنار بدانند؛ هرکدام یک‌طور و به نحوی مسئولیت دارند. پس مسئولیت و معنویات مردم هم بر دوش مدیران کشور در طبقات مختلف از بالا تا پایین است (بیانات امام خامنه‌ای در جمع مسئولان کشور، دی ماه ۱۳۷۸).

۴-۲-۵ ولایت مداری

نقش رهبری در بسیج مردم در تمام مراحل انقلاب و حمایت و پیروی همه جانبه مردم از فرامین رهبری، تضمین‌کننده امنیت ملی است. به همین دلیل امام (ره) با اشاره به اصول مترقی ولایت فقیه در قانون اساسی، همگان را به انقیاد در برابر این اصول برای حفظ نظام اسلامی از آسیب‌ها فرا می‌خواند: «من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد». مقام معظم رهبری نیز حضور خالصانه و عاشقانه مردم ولایتمدار برگرد ستون خیمه انقلاب را عامل استحکام نظام و دفع توطئه‌ها می‌داند و فرمایند: تا وقتی که این اصل نورانی در قانون هست و این ملت از بن دندان به اسلام عقیده دارند، توطئه‌های اینها ممکن است در دسرس درست کند؛ اما نخواهد توانست این بنای مستحکم را متزلزل کند (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۷۹/۲/۲۳). بنابراین، بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتدار ملی، در راس هرم نظام قرار می‌گیرد و آنگونه که قانون مشخص نموده، احکام و دستوراتش نافذ و لازم‌الاتباع است.

۴-۲-۶ وحدت و انسجام

مهمترین شاخصه اندیشه رهبری، تاکید بر وحدت و همدلی میان تمام اقشار مردم و مسئولان است، زیرا در عین حال که زمینه‌های همگرایی فراوانی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، شرایط فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی ایران نیز به گونه‌ای است که همیشه امکان رخنه برای نفوذ دشمن در آن فراهم است (نائینی، ۱۳۸۸: ۶۸). مقام معظم رهبری معتقدند که دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی در پرتو برکت معنوی وحدت حاصل آمده است و استمرار وحدت نیز عامل پویایی و ثبات نظام است؛ همیشه به برکت اتحاد کلمه توانستیم. بزرگترین موانع را از سر راه خود برداریم؛ الان هم می‌توانیم به برکت اتحاد کلمه میان مردم و مسئولان، بزرگترین موانع را از مقابل راه حرکت این ملت برداریم (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲). وحدت اقوام و مذاهب، هم اندیشی

حوزه و دانشگاه، همگرایی اقشار مختلف مردم، همدلی نیروهای مسلح و در مرتبه عالی تر مسئولان و مردم شاخصه‌های اصلی وفاق و همگرایی در تامین امنیت و اقتدار ملی جمهوری اسلامی است؛ که به تقویت روحیه استکبارستیزی می‌انجامد و مقام معظم رهبری آن را چنین ترسیم می‌نماید: ما به فضل الهی و با توکل به خدا و با استحکام همه‌ستگی ملت مان و همه‌ستگی ملت‌های دیگر با انقلاب مان، در آینده هم مثل گذشته یک لحظه با آمریکا و زورگویی‌هایش کنار نخواهیم آمد.

۴-۲-۷ اقتدار علمی و فناوری

علم یکی از منابع اصلی قدرت بوده و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در استحکام ساخت درونی قدرت دارد. از این رو، می‌توان گفت که رقابت علمی در دنیا، بیش از رقابت در سایر حوزه‌ها بوده و حساسیت و اهمیت بیشتری دارد. علاوه بر این، به دانش‌های بنیان‌شدن اقتصاد ما و وابستگی روز افزون حیات اقتصادی کشورها به پیشرفت‌های علمی، علم و پژوهش روز به روز نقش تعیین‌کننده‌تری در رقابت‌های بین‌المللی برای کسب قدرت و ثروت پیدا خواهد کرد. عزت ملی در عرصه علم به این است که جوان دانشجوی او، پژوهشگر او، عالم محقق او سعی کند مرزهای علم را در نوردد. معظم له، در رابطه با حضور مردم در این عرصه می‌فرماید: یکی از صحنه‌های بسیار مهم که مردم عزیزمان در آن نقش ایفا کردند و کسی هم تصور نمی‌کرد که این صحنه اینجور برای نقش‌آفرینی ظرفیت داشته باشد، عرصه علم و فناوری است. کی خیال می‌کرد جوانان این جور وارد میدان شوند؟ به مجرد اینکه نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری با نخبگان و زیدگان دانشگاهی مطرح شد، آنچنان حرکت عظیمی به وجود آمد که شد یک گفت‌وگو عمومی، شد یک حرکت همگانی (بیانات رهبر انقلاب به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴). معظم له، نقش تولید علم را در اقتدار علمی و جایگاه آن را در ثبات و امنیت این چنین توصیف می‌فرماید: علم با خودش رفاه و سیادت سیاسی و برتری نظامی می‌آورد؛ در همه بخش‌های اقتصادی و سیاسی نفوذ کلمه ایجاد می‌کند، پول یک کشور را تقویت می‌کند و اقتصاد یک کشور را رونق می‌دهد، اینها همه هنرهای علم است. (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳).

۴-۲-۸ اقتدار اقتصادی

وجود مشکلات اقتصادی در شرایط کنونی نباید منجر به رای به ناکارآمدی اقتصادی انقلاب در گام اول شود. واقعیت آن است که عملکرد انقلاب اسلامی، علیرغم ضعف‌ها و چالش‌های موجود، در حوزه اقتصادی، حاوی نقاط قوت و درخشان بسیاری است که باید در تحلیل عملکرد اقتصادی انقلاب مورد توجه قرار گیرد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: وظیفه همه ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیرقابل تاثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضائات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد، باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. (همان). اقتدار اقتصادی یعنی کسی که در بهبود وضعیت اقتصادی کشور از امکانات خودش استفاده کند؛ فقر را در کشور ریشه کن کند و یا حداقل کم کند و بتواند به عنوان یک کشور ثروتمند و غنی، در مقابل چشم دنیا، کارایی نظام خودش را نشان دهد؛ مسئولان اقتصادی همچنین دنبال این باشند که در کشور بیکاری وجود نداشته باشد، اشتغال وجود داشته

باشد، تولید صنعتی و کشاورزی در حد مطلوب باشد؛ از منابع و معادن کشور به نحو بهینه استفاده شود؛ این هم اقتدار اقتصادی است که بخش‌های گوناگون نسبت به آن مسئولیت دارند. (شجاعی، ۱۳۸۶: ۷۹).

۴-۲-۹ مفهوم اقتدار فرهنگی

اقتدار فرهنگی یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثر گذار باشد و اثر پذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیح دفع شود. (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

اقتدار فرهنگی متوقف بر این است که آحاد مردم در کشور که می‌خواهند پشتیبان دولت باشند، احساس گشایش اقتصادی کنند؛ پس مسئله اقتصادی در امنیت و فرهنگ و عزت و برجستگی حرف سیاسی در کشور و در حضور جهان تاثیر گذار است. (نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰).

عزت ملی در عرصه فرهنگی آن است که یک ملت به سنت‌های خود پایبند باشد، برای آن ارج قائل باشد، مقلد فرهنگ‌های بیگانه و مهاجم نشود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ج ۱ ص ۵۶۹) ایشان، مهمترین عنصر برای قدرتمند شدن کشور که منتج به تثبیت جایگاه ایران اسلامی در نظم نوین جهانی می‌گردد را فرهنگ می‌دانند.

۴-۳ مفهوم اقتدار سیاسی

اقتدار سیاسی یعنی کسی نتواند به آنها زور بگوید؛ کسی نتواند در اوضاع سیاسی آنها دخالت کند، کسی نتواند در اوضاع داخلی کشور آنها انگشت ایداء دراز کند. اقتدار سیاسی_ که بخشی از اقتدار ملی است_ این است که گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی و روحانی و سایر مجموعه‌های گوناگون در کشور ما سیاسی اند؛ گرچه حزبی هم ندارند_ بتوانند آگاهی‌های سیاسی و تشخیص‌های درست سیاسی پیدا کنند تا در مواقع لازم قادر باشند پشت سر دولت بایستند. اقتدار این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسئولان کشور باشد، این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است. (پسندیده، ۱۳۸۷: ۶۵)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر به وجود آورد: هیمنه دو ابر قدرت آن روز دنیا را در ارتباطشان با دولت‌های ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به مرور در چشم ملت‌ها و دولت‌ها به دست آورد بودند، به شدت تضعیف کرد. این عصر را باید «عصر امام خمینی (ره)» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرئت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و شکست بت‌های قدرت ظالمانه و با لندگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سر برآوردن ارزش‌های معنوی. جمهوری اسلامی موظف است کوچکترین تغییری در چهره با صلاحیت و موضع با عزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند؛ با قلدوران، از موضع قدرت و با دولت‌های ضعیف، از موضع حمایت و با ملت‌های پیا خاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند؛ هر دولتی که حاضر شد در مقابل خواست دستگاه یکپارچه سلطه جهانی تسلیم شود، بیش از گذشته محکوم به ضعف و ذلت و تحت سلطه قرار گرفتن و هضم شدن شخصیت شد. این، یکی از چیزهایی است که وضع فعلی جهان، آن را نشان می‌دهد. ملت ایران به پشتوانه قوای سه‌گانه در سطح منطقه بلکه در سطح جهان، در اوج اقتدار ملی است. همه اینطور احساس می‌کنند. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار مسئولان بنیاد شهید، ۱۳۶۹).

۳-۳-۴-۱ ملت ایران در کمال اقتدار سیاسی

ملت ایران اگر در حقیقت ایستادگی کند و از خطر و مبارزه نترسد بر دشمنان در هر موقعیتی که باشند پیروز خواهد شد و ملت ایران این پیروزی را به چشم خود دید و از ثمره طیبه انقلاب نیز بهره مند شد و اکنون در کمال اقتدار سیاسی و برخوردار از عزت در چشم ناظران بین‌المللی است. جبهه استکبار تا زمانی که بنای حرکت خود را بر باطل، استوار کرده باشد، صف حق را قبول نخواهد کرد و جبهه حق نیز، این حرکت استکبار را بر نمی‌تابد و آن را تحمل نمی‌کند. ملت ایران و نظام اسلامی به هیچ وجه مبارزه جویی نمی‌کند؛ اما در مقام دفاع، با قدرت تمام به دهان هر متجاوزی خواهد کوبید (پسندیده، ۱۳۸۷: ۶۵). امروز ارتباطات گسترده‌ای میان ایران و کشورهای مختلف جهان وجود دارد که این خود نفوذ، توانایی، اقتدار و عزت جمهوری ایران اسلامی را نشان می‌دهد بر همین اساس، عظمت و عزت جمهوری اسلامی ایران و حضور مقتدرانه آن در مسائل جهانی همراه با موفقیت‌های بزرگ به دست آمده در مسائل داخلی برای ملت‌های مسلمانان جهان، الهام بخش است. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۴).

۳-۳-۴-۲ اقتدار در دیپلماسی و سیاست خارجی

سیاست و ارتباط خارجی جمهوری اسلامی ایران و مایه پی‌شرف و عظمت آن، روحیه اسلامی و انقلابی و تفکر اسلامی این حکومت و ملت است. و این همان چیزی است که موجب قدرت نظام و توجه و احترام ملت‌ها به آن و نیز دشمنی آمریکا و استکبار با ملت مسلمان ایران و نظام اسلامی شده است. بنابراین، در همه حرکات و فعالیت‌های دیپلماتیک باید موضعی قوی، قاطعانه و مقتدرانه اتخاذ کنید و در هر مسئله که تعرض استکبار به اسلام و انقلاب و نظام شدیدتر است، شما نیز با برخوردی منطقی و شجاعانه و توأم با حکمت، محکمتر بایستید. چراکه حفظ حیات، عزت، و عظمت نظام اسلامی در گرو ایستادگی قاطعانه و انقلابی در برابر فزون‌خواهی‌های استکبار است و این اصلی اساسی در سیاست خارجی نظام است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۵)، این شاخص که از سر فصل «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» استنباط می‌شود، به معنای حفظ حساسیت‌ها نسبت به دشمن، او را دشمن دانستن و عدم تبعیت از او همچنین، مبارزه با او در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است. این موارد که به تعبیر مقام معظم رهبری، شاخص‌هایی از اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی اند، ترسیم‌گر اصول و ساحت سیاست و روابط خارجی نظام در گام دوم انقلاب اسلامی است. (قربانی، ۱۴۰۰: ص ۱۱). استحکام ریشه‌های انقلاب در داخل، اقتدار کم‌نظیر حکومت اسلامی و پیوند عمیق مردم با مسئولان نظام، حتی بدون هیچ‌گونه تبلیغ و تلاش خاص، موجب گسترش صحیح انقلاب اسلامی و شعاع اسلام در جهان است که نظام استکباری به هیچ‌چیز جز خاتمه حیات واقعی این نظام و یا به تغییر جوهری و عمیق ماهیت اسلامی نظام راضی نمی‌شود و این واقعیت را باید در همه احوال کاملاً در نظر داشت. (نخعی، ۱۳۸۶: ۹۸).

۳-۳-۴-۳ اقتدار نظامی و دفاعی

جمهوری اسلامی به لحاظ اعتبار و قدرت نظامی و اقتصادی نسبت به گذشته استحکام بیشتری یافته است. لذا مجموعه نظامی ما باید مرکب از عناصر دلسوز، فعال و سرشار از امید و نشاط باشد تا بتواند وظایف خود را در

جهت اهداف عالی نظام و اقتدار کشور اسلامی به انجام برساند. از منظر امام خامنه‌ای، اقتدار جمهوری اسلامی یک مبنای «عقلانیتی» است؛ یعنی ما اقتدار را بر اساس احساسات و عواطف و توهمات و مانند اینها دنبال نمی‌کنیم. یعنی یک محاسبه درست و منطقی، در حد و اندازه‌ی قدرت دفاعی، عرض و طول نیروهای مسلح، چگونگی تقسیم مسئولیت‌ها میان نیروهای مسلح و تعیین انواع ابزارهای دفاعی، همه بر اساس محاسبات درست و منطقی است؛ یعنی بر اساس عقلانیت است. یکی از شاخص‌های مهم در یک نظام سیاسی، مولفه دفاع و امنیت است که ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر آن تاثیر می‌گذارد. (شیرازی، ۱۳۷۰: ۶۴).

۴-۳-۴ نقش سپاه پاسداران در اقتدار ملی

سپاه از عمق ایمان و اعتقاد، وارد میدان مجاهدت شد و به موازات تربیت باهوش‌ترین و قوی‌ترین فرماندهان و استراتژیست‌های نظامی، در عرصه‌های غیرنظامی با تدبیرترین و بهترین مدیران را تربیت کرد و در اختیار دستگاه‌های حاکمیتی قرار داد. این تشکیلات قوی بنیه هیچگاه به بهانه‌هایی نظیر بروز تغییرات در جهان و ضرورت تغییر در داخل، از راه اصلی و صحیح منحرف نشد. (گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با فرماندهان، پیشکسوتان و پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۶/۶/۹۲). مبارزه قاطعانه با معاندین انقلاب اسلامی، حضور مقتدرانه و خستگی‌ناپذیر در هشت سال دفاع مقدس، نقش مستقیم و موثر در تشکیل ارتش بیست میلیونی (بسیج مردمی)، تربیت فرماندهانی کم‌نظیر، نفوذ منطقه‌ای (حمایت از محور مقاومت)، مبارزه با گروه‌های تروریستی نظیر داعش و...، تامین امنیت هوایی، زمینی و دریایی جمهوری اسلامی، حضور پررنگ در حوادث غیر مترقبه جهت کمک‌رسانی به حادثه‌دیدگان، اهتمام در ساخت انواع جنگ‌افزارها و پیشرفت روز افزون صنایع نظامی از جمله: موشک‌های بالستیک نقطه‌زن و پهپادهایی با بردهای مختلف و...، از مصادیق بارز نقش سپاه در تقویت و پیشرفت اقتدار ملی جمهوری اسلامی است.

۴-۳-۵ نقش بسیج در اقتدار ملی

امام خمینی (ره) و بنیانگذار نظام اسلامی در سال ۵۸ علاوه بر وجود ارتش کلاسیک و نیروهای جوان و مومن سپاه، فرمان بسیج همگانی را صادر کرد تا نظام اسلامی بتواند کلیه افرادی که توان پیدایش آمادگی دفاعی در وجود خود را احساس می‌کنند، تحت تعلیم قرار گیرند. ثمره این شجره طیبه در هشت سال دفاع مقدس کام ملت ایران را شیرین و طعم تلخ شکست را به دشمنان چشانید. اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. (۱۹۴-۱۹۵). امروز بسیج در زمینه علم، در زمینه تربیت، در زمینه نظریه پردازی در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی، در زمینه تحصیل فعال است و می‌تواند یک معیار برای خود شناسی باشد. (گزیده بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره طیبه صالحین، ۱۳۹۱/۹/۱).

بسیج و تفکر بسیجی محصور و منحصر به دوران دفاع مقدس نیست؛ تفکر و حضور فعال مقتدرانه بسیج در عرصه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، صنعتی و...، مؤید اقتدار این تشکل مردمی است.

۴-۳-۶ نقش ارتش جمهوری اسلامی در اقتدار ملی

نیروهای مسلح در جمهوری اسلامی یعنی ارتش و سپاه، مثل دو بازوی محکم، مثل دو دست در هم گره خورده، دو دستی که از دو طرف، اطراف این ملت و این کشور را با اقتدار کامل حفاظت و حراست می کنند برای اینکه دشمن نتواند از بیرون و درون نگاه چپ به این ملت و این کشور بکند. ارتش ما امروزه قوی تر، منظم تر، متدین تر و انقلابی تر است. آنچنان در موضع قدرت و اعتماد به نفس است که ملت احساس اقتدار ملی می کند و از تبلیغات شوم دشمن هراس و واهمه ای ندارد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴).

۴-۳-۷ نقش نیروی انتظامی در اقتدار ملی

دقت و مراقبت در انجام وظیفه قانونی در نیروی انتظامی موجب اقتدار این نیرو و جلوگیری از هرگونه تخلف و تخطی است. نیروی انتظامی به عنوان خدمتگزار و امین مردم، باید از راه آموزش و جلب آنچه که موجب اقتدار او می شود، از اقتدار کامل و قانونی برخوردار باشد تا آحاد ملت احساس امنیت کنند و این قدرت موقعی زیبا، مقدس و مطلوب است که در خدمت مردم به کار گرفته شود. خدمت به مردم یک افتخار است و این خدمت هرچه دشوارتر باشد، افتخار آن بیشتر و ثواب الهی آن والا تر است. نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی برای از میان بردن ناامنی و مبارزه با عناصری است که در امنیت جامعه اختلال ایجاد می کنند. لذا این قدرت باید به دست انسان های صالح، امین و علاقمند به سرنوشت مردم سپرده شود تا آنها بتوانند امنیت را به درستی تامین کنند. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار قشرهای مختلف مردم و کارکنان ادارات و نهادها، ۱۳۸۴). نیروی انتظامی باید از اقتدار حقیقی برخوردار باشد تا آحاد ملت احساس کنند که پاسدار امنیت فردی و اجتماعی آنها مجموعه مقتدر است و قدرت دفاع از آنان را در برابر دشمنان و عوامل مخل امنیت جامعه را دارد. بزرگترین وظیفه نیروی انتظامی، حفظ ارزشهاست و این نیرو باید با اقتدار، عزت و رحمت خود، فضا را ایجاد کند که آحاد مردم جامعه، تقوا، پرهیزکاری، معنویت، دوری از فساد، دشمنی با هرگونه کجروی و انحراف را در آن مشاهده کنند. (همان). یکی از انتظارات مردم از حکومت، حفظ اقتدار ملی کشور در داخل و خارج است... نیروی انتظامی، مظهر این اقتدار در محیط زندگی مردم است. اگر بخواهیم نیروی انتظامی به عنوان مظهر اقتدار ملی، عزیز باشد، باید ضمن رعایت مناعت و امانت، شرایط لازم آن را به طور کامل و بدون اغماض در داخل این نیرو به وجود آوریم. تضمین کننده اقتدار و عزت نیروی انتظامی، حفظ تدین و ارزش قائل شدن برای ارزشهای دینی و همه مظاهر آن در این نیرو است. (رضایی، ۱۳۸۷: ۶۴).

در این تحقیق ما مجموعه ای از بیانات مقام معظم رهبری را که تاکنون، پیرامون «اقتدار ملی»، در مقاطع و مجامع گوناگون، به مناسبت‌های مختلف ایراد فرموده اند، گردآوری کرده ایم تا با استفاده از معانی ژرف و عمیق آن برای نسل حاضر و نسل های آینده، خصوصاً برای مدیران و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، نقشه راه و راهنمای ارزشمندی باشد که در این مقاله، گوشه‌ای از سخنان و نظرات معظم له را بیان کردیم. ایشان، می فرماید: «اقتدار ملی برای یک کشور، حفظ کننده هویت او، مایه عزت او و وسیله رسیدن به آرمان هاست.»

اقتدار ملی، فقط به معنای توانایی نظامی نیست، اقتدار ملی یک مسئله همه جانبه است و بر دوش دستگاه‌هاست و به عنوان یک وظیفه اصلی، بر دوش هر سه قوه اساسی کشور نهاده شده است. اقتدار ملی از منظر مقام معظم رهبری به معنای این است که یک ملت، در مسئولان کشور جلوه های قدرت و توانایی و عزت خود را مشاهده کند و کار با سیاست های درست، با برنامه ریزی صحیح، با جدیت و پشتکار و با هماهنگی و انسجام و کامل پیش برود. اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر اقتدار نرم است تا اقتدار سخت؛ اما تاکید رهبر انقلاب مبنی بر تقویت و پیشرفت روز افزون بنیه و توان نظامی، صرفاً به منظور دفاع و بازدارندگی از تهدیداتی است که جمهوری اسلامی با آن مواجه می باشد. معظم له، بارها به دشمنان جمهوری اسلامی ایران هشدار دادند؛ دوران «بزن درو» گذشته و آنها ممکن است شروع کننده هر تحرکی باشند اما پایان کار دست دشمنان نخواهد بود. از دیدگاه مقام معظم رهبری، این اقتدار و عزت میراث امام (ره) است. سنگین ترین تحقیرها را نسبت به همان قدرت های گردن کلفت و قلدر دنیا روا داشت و تاکنون هیچ ملتی مثل ملت ما، رژیم مستکبر و زورگوی آمریکا را اینگونه تحقیر نکرده است. دشمنی با ملت ایران، به معنای دشمنی با عزت، اقتدار، پیشرفت و اعتلا این ملت است. امنیت پایدار مرهون قدرت نظامی، نیروهای مسلح کارآمد از جمله: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، علم و پیشرفت علمی، اقتصاد قوی و مستقل، نیروهای نظامی وفادار «دولت و مقاومت» و مشارکت سیاسی است. مجموعه پویایی این عوامل اقتدار، قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد. معظم له، شرط تداوم و افزایش اقتدار ملی و شکست دسیسه های دشمنان را ایستادگی، صبر، تقوا، همراه با هوشیاری، با تدبیر و انسجام ملی می دانند. اقتدار ملی دارای شاخص هایی از جمله اقتدار معنوی، ایمان به خدا، ولایت مداری، وحدت و انسجام ملی، علمی و فناوری، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اقتدار نظامی و دفاعی است. مجموعه نظامی باید مرکب از عناصری دلسوز، فعال و سرشار از امید و نشاط باشد، تا بتواند وظایف خود را در جهت اهداف عالی نظام و اقتدار کشور اسلامی به انجام برساند. اقتدار جمهوری اسلامی یک مبنای «عقلانیتی» است. یعنی ما اقتدار را بر اساس احساسات و عواطف و توهمات و مانند اینها دنبال نمی کنیم. بلکه همه بر اساس محاسبات درست و منطقی است. از منظر رهبر انقلاب، اقتدار این است که یک ملتی از درون بجوشد، هم علم را، هم نظامگیری را، هم سازندگی را، هم پیشرفت را، هم عزت بین المللی را برای خود کسب کند. اینها شاخصه های اقتدار ملی ملت ایران است. از منظر رهبر انقلاب، مهمترین شاخص اقتدار یعنی قدرت مند کردن کشور در عرصه اقتصادی و قطع وابستگی های اقتصادی از سایر کشورها با تاکید بر اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولیدات داخلی که همواره یکی از دغدغه های اساسی ایشان می باشد، می تواند شکل بگیرد.

۱. پسندیده، عباس، ۱۳۸۹: اتحاد و نظریه اقتدار در فلسفه سیاسی اسلام، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۴۴، ۲.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۹۶: مبانی نظری قانون اساسی، تهران، انتشارات اسلامیه
۳. خامنه ای، علی، ۱۳۸۸: حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
۴. رضایی، علی، ۱۳۸۹: اقتدار ملی در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی، معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح، تهران، پایگاه مهر
۵. شجاعی، رضا، ۱۳۸۶: اقتدار در اسلام، فصلنامه حکومت اسلامی، شه .
- ۶ مجموعه سخنرانی‌های امام، ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۰
۷. نخعی، هادی، ۱۳۸۶: بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت ملی و اسلامی، توافق و تزامن منافع ملی و مصالح اسامی، تهران. المللی دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۸- بهمن، شعیب، فرصت بحران شکل‌گیری قدرت ایران در سنگلاخها، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، چ ۱، ۱۳۹۷.
- ۹ پسندیده، عباس، اتحاد و نظریه اقتدار در فلسفه سیاسی اسلام، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۴۴، ۱۳۸۹
- ۱۰- پوراحمدی، حسین، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، در بازتاب فرایند جهانی شدن، «همسویی تعامل با تقابل»، ناشر: چاپ و نشر عروج، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱)، ج ۱، ۱۳۸۲.
- ۱۱- پورجباری، پژمان، دستاورد شناسی چهل سال انقلاب اسلامی، (مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب)، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین با مشارکت دبیرخانه دائمی مجمع جهانی بیداری اسلامی، ۱۳۹۷.
- ۱۲- جنگ و جهاد (از بیانات و اعلامیه‌های امام خمینی (ره)، از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۱)، تهران: چاپخانه سپهر، چ ۱، ۱۳۹۱.
- ۱۳- حرزاده، محمد حامد، درس‌نامه وصیت‌نامه سیاسی - هی امام خمینی (ره)، یزد: انتشارات علمی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، ج ۱، ۱۳۹۷.
- ۱۴- حسینی بهشتی، سید محمد، مبانی نظری قانون اساسی. تهران: انتشارات بقعه، ۱۳۷۷.
- ۱۵- حسینی، محمد حسن، نو سازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
- ۱۶- حشمت زاده، محمدباقر، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۴، ۱۳۸۷.
- ۱۷- حقیقت، سید صادق، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۶۹.
- ۱۸- خالقی، علی، مشروعیت قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱.
- ۱۹- خمینی، روح الله، جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۳، ۱۳۸۷.
- ۲۰- دهشیری، محمد رضا، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۹.

- ۲۱- ذوالفقاری، مهدی، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی د منطقه، تهران: خبرگزاری فارس، معاونت پژوهش، ج ۱، ۱۳۹۲
- ۲۲- رابطه سیاه (مروری بر روابط ایران و آمریکا)، نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، معاونت سیاسی، ج ۱، ۱۳۸۹.
- ۲۳- راهبردهای ولایت (نگاهی موضوعی به فرازهایی از فرمایات مقام معظم رهبری)، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سیاه، ج ۲، ۱۳۷۸- ج ۳، ۱۳۷۹.
- ۲۴- رضوانی، علی اصغر، انسجام اسلامی و اتحاد ملی (در پرتو آموزه)، ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ج ۱، ۱۳۸۶.
- ۲۵- قنبری- سمیه استحکام درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری (با تاکید بر مولفه های دفاعی - امنیتی)، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، ش ۴، ص ۲۱۲-۱۹۳، ۱۳۹۵.
- ۲۶- مجموعه مقالات سیاسی (اقتدار ملی از نگاه امام خامنه ای) معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ج ۱، ۱۳۷۰.
- ۲۷- گام دوم انقلاب، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ج ۱، ۱۳۹۷.